

گفتمان سازی در رابطه ایران و روسیه

حسین ملائک *

همکاری ایران و روسیه چه بصورت عام و چه در خصوص سوریه در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی حائز اهمیت بسیار است. این همکاری وقتی بعد استراتژیک به خود گرفته و یا تعمیق شود، تاثیرات دو چندانی در هریک از سطوح فوق خواهد داشت. در گفتمان ایرانی پس از انقلاب، واژه استراتژیک و یا راهبردی معمولاً در شرایطی استفاده شده است که یک کشور تامین کننده بخشی از نیازمندی‌های مورد نظر نظام چه از زاویه تسلیحات و یا تسهیلات باشد. مثلاً ترکیه کشوری است که محدودیت‌های استراتژیک را بر ایران وضع نمی‌کند، اما چین کشوری است که اقلام استراتژیک را برای ایران تامین می‌کند. این ارزیابی یک طرفه ایران از روابط

* سفیر سابق ایران در چین



است. البته این روابط از جانب مقابل می‌تواند صرفاً رابطه عادی و یا تجارت ساده تلقی شده و بار سیاسی زیادی نداشته باشد.

به هر صورت واژه راهبردی برای روابط دوکشور زمانی می‌تواند استفاده شود که دو کشور به همگرایی بالایی در مناسبات رسیده و منافع دو کشور آنچنان در هم تنیده شود که هریک از طرفین حاضر باشند در صورت مواجهه طرف مقابل با چالش یا تهدید جدی، تعهدات مشخص و روشنی را برعهده گرفته و سعی در رفع خطر از منافع و مواضع شریک راهبردی خود کنند.

با این مقدمه به توصیف روابط دو جانبه ایران و روسیه پرداخته می‌شود:

۱. همکاری روسیه در ساخت نیروگاه‌های اتمی، صرف‌نظر از بعد تجاری آن یک وجهه از همکاری تکنولوژیک سطح بالا محسوب می‌شود که توسط سایر کشورها فعلاً قابل تامین نیست و اگر انتقال فن‌آوری در آن از غلظت خاصی فزونتر رود، در شرایط فعلی جهان، نوعی از روابط نزدیک و استراتژیک محسوب می‌شود. روسیه به هر حال نیروگاه بوشهر را تمام و کلنگ فازهای بعدی نیز در ماه اخیر با همکاری این کشور زده شد. این رابطه از طرف ما یک رابطه راهبردی محسوب می‌شود. احتمالاً روس‌ها نیز به این رابطه تجاری - تکنولوژیک نگاه نکرده و برای آن ارزش سیاسی قائل هستند.

۲. روسیه تامین کننده برخی از اقلام نظامی مهم از جمله زیردریایی، هواپیمای جنگی، اقلام موشکی، دفاع ضدهوایی یا آموزش‌های نظامی ویژه برای ایران است که بازهم فعلاً از طریق دیگری امکان دستیابی به آنها نیست؛ لذا از نظر ایران این رابطه که تامین کننده اقلام دفاعی به صورت ادامه‌دار و با انتقال دانش همراه است، راهبردی محسوب می‌شود. اما این رابطه صرف‌نظر از بعد تجاری آن برای روسیه نشان‌دهنده دیدگاه‌های سیاسی نظامی آن کشور به ایران و یا به دیگر سخن حاوی عناصر استراتژیک است: (۱) روابط تجاری دو کشور رقم قابل ذکری نیست، اما در سال جاری رو به فزونی گرفته است. از این اقلام غیر از گندم، چوب و فولاد که در برخی از زمان‌ها به لحاظ تجاری می‌تواند ارزشمند باشد، بقیه قابل تامین از سایر منابع نیز بوده و روسیه نیز در فروش این اقلام صرفاً به ایران اتکا ندارد؛ و

۲) در مورد همکاری‌های نفتی دو کشور تاکنون نتوانسته‌اند راه‌هایی برای همکاری بیشتر بیابند؛ اگرچه روسیه و عربستان در این امور رایزنی‌های زیادی را برنامه‌ریزی کرده‌اند، اما هیچ‌گاه ایران روسیه را در مسائل نفتی مهم تلقی نکرده است. اقدامات دیپلماتیک روسیه برای حفظ و افزایش قیمت نفت در هفته‌های گذشته که منجر به توافق در اجلاس الجزایر شد، نشان از توانمندی این کشور در تاثیرگذاری نسبی در این حوزه دارد.

به نظر می‌رسد به وجود آوردن یک نوع از همکاری بین ایران، روسیه، عراق و ونزوئلا می‌تواند در بازار نفت تاثیر سیاسی داشته و از طرف دیگر به نزدیکی «راهبردی» ایران و روسیه نیز کمک کند. اگر روابط با روسیه صرفاً در موارد فوق دیده شود، می‌توان گفت که ارتباطات دو کشور در حال گذار به رابطه‌ای عمیق‌تر است ولی الزاماً هنوز شکل استراتژیک به خود نگرفته است. اما وجهی دیگر که اشاره خواهد شد از این اوصاف قدری جدی‌تر بوده و اساساً با موارد فوق تفاوت دارد.

ایران و روسیه در سوریه

همکاری ایران و روسیه در سوریه شاید مهم‌ترین جلوه یک نوع همکاری نوین بین دو کشور با تاثیراتی گسترده در منطقه و جهان است. روس‌ها به هر دلیل و بهانه و پیش‌قضاوتی که به جنگ سوریه کشانده شده‌اند، در موقعیتی قراردارند که دیگر خروج از آن نه به سادگی امکان‌پذیر است و نه ائتلافی غیر از دولت سوریه و ایران خواهند یافت. آیا این همکاری ابعاد استراتژیک دارد؟ به نظر می‌رسد در نقطه سوریه، ایران و روسیه لاجرم همکار و شریک استراتژیک هستند. این شراکت استراتژیک تاثیرات تصاعدی بر سایر وجوه روابط دو کشور نیز خواهد داشت. همکاری نظامی دو کشور که خود را در اجازه عبور موشک‌های روسی از فراز ایران، استفاده از پایگاه هوایی نوژه یا همکاری در تعاملات سیاسی بین‌المللی مربوط به مذاکرات سوریه و یا در عملیات‌های تاکتیکی نظامی در مناطق جنگی و... نشان می‌دهد، حاکی از شرایط بی‌سابقه و جدیدی در روابط دو کشور است. حتماً نباید این وضعیت را تصادفی تلقی کرد و به سادگی از آن گذشت.



شرایط فوق در سطح بین‌المللی با مخالفینی روبروست که تلاش دارند به هر صورت آن‌را متوقف نمایند. توقف آن به دو صورت میسر است؛ یا باید همکاری ایران و روسیه در سوریه به نتیجه ملموسی منجر نشود و یا اینکه اساساً باید زیربنای چنین همکاری به لحاظ اجتماعی و سیاسی تضعیف شود. از بین موارد متعدد توصیه‌های کارشناسان غربی به سیاستمداران، دو مورد که گویاست آورده می‌شود.

آقای ولی نصر در ۱۶ سپتامبر (۲۶ شهریور) در نیویورک تایمز، روزنامه طرفدار دموکرات‌ها با اشاره به همکاری نظامی روسیه و ایران در سوریه می‌نویسد: «...آتش‌بس در سوریه موضوع قابل توجهی است، اما تحول مهم منطقه همکاری نظامی ایران و روسیه است که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی خاورمیانه و نیز تمایلات گسترش‌طلبی جهانی روسیه شود. در جایی که تنها امریکا تا به حال می‌توانسته از پایگاهی در خاورمیانه استفاده نماید، اکنون روس‌ها نیز به موازات در این مسیر گام نهاده‌اند. همکاری موفق و مشترک نظامی ایران و روسیه، ایران را در منطقه خودسر و لجوج‌تر نموده و روسیه را مسلط بر همسایگانش خواهد کرد». وی تاکید دارد که دیپلماسی امریکا اجازه دهد جنگ نتیجه‌ای برای ایران و روسیه داشته باشد.

اما مقاله آقای الی لیک، سرمقاله‌نویس سایت محافظه‌کار و طرفدار جمهوریخواهان «بلومبرگ» که سابقه زیادی در تحلیل‌های امنیتی دارد، در ۲۷ مرداد ۹۵ و بعد از استفاده روس‌ها از پایگاه همدان، به وجه دیگر این موضوع می‌پردازد. وی استفاده روسیه از پایگاه همدان را یکی از شکست‌های مهم آقای کری در دیپلماسی با روسیه دانسته و معتقد است که کری باید با واقعیت‌های ایران که میانه‌رو و تندرو در آن مفهوم ندارد، روبرو شود. استفاده از پایگاه هوایی همدان برای ایرانیان که انقلاب کرده‌اند، موضوع کمی نیست. رهبری ایران برای توجیه مردم و بسیاری در این مورد باید کار زیادی انجام دهد. آقای کری باید از این فرصت استفاده و سعی کند مابین ایران و روسیه اختلاف بیافکند. حتی وزارت خارجه باید دیپلماسی عمومی ویژه‌ای در این خصوص سازمان بدهد و با نشر

اطلاعات تخریبی و نیز مطالبی در مورد عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای که در آن ایرانیان توسط روس‌ها سرافکنده شده‌اند، با استفاده از ذهنیت توهم توطئه‌ای ایرانیان، کمک کند ارتباط این دو کشور بنیان اجتماعی و سیاسی نیابد.

روابط ایران و روسیه در چهارچوب اجبار ژئوپلیتیکی موجود باید حفظ و نگهداری شود. گفتمان‌سازی برای این روابط چه در روسیه و چه در ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد. در مقابل، هرگونه نگاه تاکتیکی و کوتاه‌مدت برای ایران، حتما خسارتی بیش از منافع خواهد داشت و روس‌ها نیز مهیاترین شریک طبیعی خود را در ورطه شک و تردید عمیق خواهند انداخت. از نظر کمی تاکنون مطالبی که در این رابطه نگاشته شده است، چه در ایران و چه در روسیه بسیار کم و ناچیز است. بنابراین موسسات مطالعات و اندیشه‌ها در این مورد باید فعالیت بیشتری داشته باشند. الزامات حفظ این رابطه طیفی از گشایش‌ها در روابط اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری در هر دو کشور، همکاری در سازمان ملل تا کنترل گفتار مقامات دو کشور در مصاحبه‌ها را می‌پوشاند.